آبگرمکن، یخچال، فریزر، اجاق گاز و اشیای بلند و بسیار سنگین باید با بست یا تسمه‌های مناسب به کف و دیوار منزل محکم شوند.

فرهنگ کتاب و کتابخوانی در کلام رهبری

من با کتاب زیاد انس دارم، کتاب زیاد می‌خوانم، در بازار نشر و مانند اینها از تازه‌های کتاب زیاد اطلاع دارم -کارها دارد می‌شود؛ سرمایه‌دار می‌رود پول عالی می‌دهد به مترجم که فلان کتاب را ترجمه کن. من پرسیدم از یکی از همین حضرات که مترجم به شما مراجعه می‌کند یا شما به مترجم مراجعه می‌کنید؟ گفت نه، ما به مترجم مراجعه می‌کنیم؛ راست می‌گوید، مترجم پیدا می‌کنند برای این که ترجمه کند. خب این کار را شما هم باید بکنید؛ کتاب ترجمه کنید، کتاب تولید کنید.

(دیدار اعضای شورایعالی انقلاب فرهنگی، ۱۹ آذر ۹۲)

یادداشت

برداشت کوتاه از سیره آیت‌الله مرعشی نجفی

کتابخانه «روحانی اخلاق»

هلیا منشاری | آیت‌الله سیدشهاب‌الدین مرعشی نجفی فقیه، از مرجع تقلید شیعه و مدرس حوزه (۱۳۶۹-۱۲۷۶) در عصر معاصر بوده است. وی به جمع‌آوری نسخ خطی کتب علوم اسلامی اهتمامی فوق‌العاده داشت و کتابخانه بزرگی از خود حاوی نسخ خطی ارزشمند در قم به جا گذاشته است. این مرجع بزرگوار، از طرف مادری به شاه‌سلطان حسین صفوی منسوب بود و از جانب پدری هم به میرقوام‌الدین مشهور به میربزرگ.

آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی کتابخانه‌ای را از خود در قم به جا گذاشته است که هم اکنون بیش از ۲۵۰ هزار جلد کتاب چاپی و ۳۱ هزار جلد کتاب خطی دارد و جزو سه کتابخانه مهم اسلام قرار گرفته است. مرحوم آیت‌الله مرعشی نجفی شیفته کتاب و کتابخوانی بود. گفته می‌شود که ایشان برای خرید یک کتاب حتی چندین ماه نماز و روزه استیجاری به جا می‌آورده تا از قِبَل آن بتواند کتابی تهیه کند. آیت‌الله سیدشهاب‌الدین مرعشی نجفی نتوانسته بود به زیارت کعبه مشرف شود و می‌گفت: «استطاعت و تمکن مالی که لازم وجوب تشرف به خانه خداوند کریم است را ندارم»، چون تمام درآمد خود را صرف خرید کتب می‌کرد. دلبستگی این مرجع بزرگوار به کتاب سبب شد تا مجموعه عظیمی از کتاب‌های گرانقدر شیعه را جمع‌آوری کند.

این کتاب‌ها اینک در کتابخانه (کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی در قم) موجود است. آیت‌الله مرعشی هنگام ساخت این کتابخانه، چهار گوشه آن زمین را تربت سیدالشهدا می‌ریزد و می‌گوید: «من با این کار، افرادی که به این کتابخانه می‌آیند را بیمه می‌کنم تا از طریق خواندن کتاب‌های این کتابخانه انحرافی حاصل نکنند. این کتابخانه اینک با ۲۵۰ هزار جلد کتاب چاپی و ۳۱ هزار جلد کتاب خطی، یکی از بزرگترین کتابخانه‌های کشور است. بسیاری از ساداتی که به دنبال نسب‌نامه خود هستند، به این کتابخانه مراجعه می‌کنند. یکی از ویژگی‌های مرحوم مرعشی، علم نسَب‌شناسی بود. این مرجع بزرگوار کتاب «مشجّرات النَسب» را نوشته‌اند که حاوی شجره‌نامه سادات است. کتاب «تراجم السادات» آیت‌الله سیدشهاب‌الدین مرعشی نجفی در بیان نسَب علمای سادات و احوال ایشان از روزگار صفویه تا زمان مولف است. کتاب «طبقات النسابین» وی هم در فواید علم نسَب و ذکر علمای آن به ترتیب قرون از اول هجرت تا عصر حاضر را شامل می‌شود. رویه اخلاقی در شیوه تدریس آیت‌الله هم نمایان بود، گفته می‌شود که جلسه درس ایشان یکی از مهمترین حلقه‌های درسی حوزه علمیه قم بوده است.

راز این فراگیری، مباحث اخلاقی و تربیتی بوده که وی در خلال مباحث فقهی و اصولی طرح می‌کردند. این روحیه در تدریس سبب می‌شد که ایشان گاهی تا سطح فهم پایین‌ترین افراد هم جلسه درس خود را تنزل دهد. منش آیت‌الله مرعشی اما به گونه‌ای بوده که در حجره‌های شاگردان خود هم حاضر می‌شده و با آنها به مباحثه می‌پرداخته‌است.

نگاه

پیشنهاد یک کتاب؛ «دختران آفتاب»

رمان «دختران آفتاب» با استفاده از سبک «داستان‌مقاله» به بررسی، نقد، رد، اثبات مؤلفه‌ها، مباحث حوزه زن، خانواده و جامعه می‌پردازد. این کتاب تاکنون به چاپ نهم رسیده است و در چاپ جدید خود با تقریظ رهبر معظم انقلاب منتشر شد. رمان «دختران آفتاب» نوشته امیر حسین بانکی، محمد دانشگر و محمد رضا رضایتمند در انتشارات سروش به چاپ رسیده است و این سه نویسنده در انتشار این کتاب از مشاورانی چون سیدمهدی شجاعی، حجت‌الاسلام صادق‌زاده و استاد سیدابوالقاسم ژرفابهره گرفته‌اند. این رمان به برخی از پرسش‌های مطرح شده در حوزه نقش اجتماعی زنان با بیانی روان و داستانی پاسخ می‌دهد. نویسندگان این رمان می‌کوشند تا منزلت، شخصیت و جایگاه واقعی زن را به خودش، اطرافیانش و جامعه‌اش همان گونه که شایسته و بایسته وی است، بشناسانند. در کتاب دختران آفتاب به زیبایی و در سبک و شیوه داستانی به بسیاری از پرسش‌های مطرح درباره نقش اجتماعی زن و لوازم و پیامدهای آن اشاره شده‌است.

«دختران آفتاب» اگرچه داستان است، اما تحقیقی روان شناختی، جامعه شناختی، فرهنگی و دینی درباره زنان است. دختران آفتاب خواسته است که زن و منزلت، شخصیت و هویت او را بشناساند؛ به خودش، به مَردَش، به جامعه‌اش و به تاریخ گذشته و سرنوشت آینده‌اش؛ همان گونه که هست و همان گونه که باید باشد. این اثر، روایت چند دختر است که در اردویی همسفر می‌شوند. نویسنده در این داستان به مسائل مختلف اجتماعی، سیاسی، دینی و مذهبی می‌پردازد.

گفت‌وگوی «شهروند» به‌مناسبت روز کتاب و کتابخوانی با «سیداحمد بطحایی» طلبه‌ای که داستان‌های عاشقانه می‌نویسد

طلبه سینمارو، تئاتر باز و داستان‌نویس

یک جاهایی زمین خورده‌ام، ولی با «یا علی» بلند شده‌ام و لباس‌هایم را تکانده‌ام و ادامه مسیر داده‌ام

حسام خراسانی | طلبه‌ای که رمان عاشقانه می‌نویسد، تئاتر می‌بیند و یک سینمابرو حرفه‌ای است؛ در مورد «سیداحمد بطحایی» حرف می‌زنم، نویسنده دو رمان موفق «هر صبح می‌میریم» و مجموعه روایت سی‌وده. در کارنامه هنری این طلبه جوان چند کار گروهی مانند کاشوب، مینوی نگاه تو و... هم دیده می‌شود. به نظر «سید احمد» کتابِ نفس‌المهموم سر جای خودش و منبر دهه اول محرم هم سر جای خودش. از نگاه این طلبه جوان، وادی طلبگی و هنر آنچنان بی‌شباهت هم نیستند و هر دو به‌دنبال هدایت و راویت‌اند. «شهروند» به مناسبت روز کتاب و کتابخوانی، گفت‌وگویی با این طلبه جوان داشته‌است.

• خُب، طلبگی کجا و داستان‌نویسی کجا؟ چه شد که با وجود مشغله‌های فراوان طلبگی، نویسندگی را هم دنبال کردی؟

علاقه به خواندن و نوشتن را از مدت‌ها پیش داشتم. از دبستان که پنجشنبه پی‌جورِ ضمیمه آفتابگردان روزنامه همشهری می‌شدم تا پوپک و سلام بچه‌ها تا وقتی پدرم ناغافل با خریدن «جوامع‌الحکایات و لوامع‌الروایات» ناخواسته در مسیر داستان قرارم داد. ولی احتمالا قدم جدی را سال ۸۳ برداشتم. وقتی با مدرسه اسلامی هنر آشنا شدم و بعدتر اساتید آن سال، محسن سلیمانی و فتح‌الله بی‌نیاز و بعدتر، این دو حیطه جدا با هم قرابت و بعدتر پیوند پیدا کردند.

• «آقاسید»، عرصه داستان‌نویسی و وادی طلبگی شباهت‌هایی با هم دارند؛ مثلا هر دو رسانه‌ای برای انتقال مفاهیم ارزشی هستند؛ روحانی با موعظه، نویسنده با نگارش؛ موافقی؟

اجمالا موافقم ولی نه به‌طور کلی. به این معنا همان‌طور که گفتی شباهت‌هایی دارند که هر دو احتمالا با یک ایده مرکزی هدایت و روایت می‌شوند. مخاطب در صدد فهم درونمایه و همان ایده است و هر دو می‌توانند در فهم و انتقال معنا و مفهومی حرکت کنند. ولی خب، به این معنا نیست که داستان، منبرِ مکتوب باشد. اصلا قرار بر این نیست و چنین تصور و فعلی ره به جایی نخواهد برد و محکوم به شکست است. کما این که در سینما و تلویزیون آثاری که با این هدف آمده‌اند، شکست خورده و در گذر زمان بی‌اثر و بی‌فایده شده‌اند.

• «کتاب نویسنده» یا «موعظه روحانی»؛ به نظرت در جامعه ما کدام یک کاربرد بیشتری دارد؟

ببینید! این طور نیست که بگوییم کدام کاربردش بیشتر است. هر کدام یک کارکرد و شکل کاربری دارد. مثل این که بگوییم دیزی خوشمزه‌تر است یا کوبیده؛ که البته دیزی. ولی باید به فضا، مکان، مخاطب، نوع و کیفیت پیام نگاه کرد و فرم را برگزید. به عبارت دقیق‌تر، فرم و محتوا پیوند دارند و چیزی از هم جدا نیستند. پس کتاب نفس‌المهموم سر جای خودش؛ منبر دهه اول محرم هم سر جایش. به‌قول قدیمی‌ها: جابه‌جاک نعبد جابه‌جاک نستعین.

در پیشینه دینی ما کتاب چه جایگاهی دارد؟

راستش در تاریخچه دینی ما کتاب با یک نوسان همراه است. از طرفی در مکتب‌خانه با قرآن و گلستان مأنوس بودند و از سویی تاریخ شفاهی ما بسیار قدرتمندتر از تاریخ مکتوب است، خصوصا در پارادایم دینی، چرا که بیش از کتاب با منبر و مداحی و تعزیه و نقالی عجین بوده تا متن و کلمات مکتوب. برای همین در عین داشتن آثار ارجمندی در فرهنگ دینی و مذهبی؛ لیک تاریخچه شفاهی بسی تنومندتر از مکتوب است.

• تا حالا شده در محافل دینی به‌دلیل فعالیت در حوزه‌های دیگر مورد انتقاد قرار بگیری؟

نه به این شدت ولی بوده که مورد سوال و کمی تخطئه قرار بگیرم که سید! جای قصه و داستان و سینما و بالکل این قرتی‌بازی‌ها بیشتر به طلبگی بچسب. ولی به‌صورت کلی هرچه گذشته اطرافیان این پیوند را بیشتر پذیرفته‌اند.

• اگر مجبور به انتخاب باشی، طلبگی را انتخاب می‌کنی یا داستان‌نویسی را؟

این چالش خیلی سخت و سهمگین است، چرا که هر دو بخشی از ذاتم هستند. ولی اگر مجبور به انتخاب شدم احتمالا طلبگی را برمی‌گزینم، چرا که بیش و پیش از هر چیزی یک طلبه‌ام.

• اجازه بده سوال اولم را صریح‌تر مطرح کنم؛ جمع میان وادی طلبگی و داستان‌نویسی برای عده‌ای ناملموس است؛ این که با وجود طلبگی اهل داستان‌نویسی هم باشی و در دانشکده هنر هم رفت‌وآمد کنی، شاید برای عده‌ای عجیب به نظر برسد. با این پارادوکس که در ذهن برخی آدم‌ها هست چطور روبه‌رو می‌شوی؟

ببینید! شما یا عاشق کاری، چیزی، کسی هستید یا نه؛ اگر هستید برای رسیدن به آن همه هزینه‌ها را می‌پردازید. به جای زخمِ سلوک به لذت وصال فکر می‌کنید و بس. حتی زخم و جراحت هم چون در مسیر وصل است برایتان شیرین می‌شود. من هم قطعا با سختی و مکافات‌هایی در این انتخاب مواجه شده‌ام ولی جای کم‌آوردن جدی‌تر شده‌ام، برای همان وصال. اتفاقا بین طلبگی و داستان پیوند ایجاد کرده‌ام. مجموعه روایت سی و ده قدمی برای این اتصال است. یا روایت‌های طلبگی‌ام در روزنامه و مجلات. یک جاهایی هم زمین خورده‌ام ولی با یا علی بلند شده‌ام و لباس‌هایم را تکانده‌ام و ادامه مسیر. اطرافیان هم از شوق یا اجبار پذیرفته‌اند. ولی هنوز که هنوز است به‌عنوان یک موردِ عجیب و جالب هستم. طلبه‌ای که سینما می‌رود؛ تئاتر می‌بیند و داستان می‌نویسد.

• در مورد کتاب «هر صبح می‌میریم» صحبت کنیم. کتابی با موضوع عشق، گناه و عقوبت که اشاراتی به زندگی در دنیا، برزخ، جهنم و بهشت دارد؛ چرا این موضوع را انتخاب کردی؟

من موضوعی را انتخاب نکردم. داستان من را به‌عنوان نویسنده‌اش انتخاب کرد. احتمالا به‌دلیل دغدغه‌های مشترک بین من و خودش. مسائلی که همه انسان‌ها کم و بیش با آن درگیرند؛ وگرنه هیچ‌گاه روی کاغذ و حتی در ذهن موضوعی را برای نوشتن انتخاب نمی‌کنم. موضوع و درونمایه باید از دل اثر بیاید نه خواسته دستوری من و کلا نویسنده.

• سوال آخر؛ درآمد یک روحانی بیشتر است یا یک نویسنده؟

هر دو فاجعه‌بارند.

چند برداشت کوتاه از زندگی شخصی «سیداحمد بطحایی»

• تاریخ تولد؟
یازده مرداد هزار و سیصد و شصت و شش

• محل زندگی؟
قم

• تعداد فرزندان؟
سه پسر

• چه سالی ازدواج کردی؟
هزار و سیصد و هشتاد و هشت

• میزان تحصیلات حوزوی و دانشگاهی؟
حوزه در مقطع خارج فقه و اصول مشغولم و دانشگاه در حال نگارش رساله دکتری رشته حکمت هنر

• تفریح و سرگرمی؟
پرورش گل و رسیدن به آنها و فیلم و سریال

• نام آخرین آهنگی که گوش داده‌ای؟
ساندتراک (موسیقی فیلم) سریال دروغ‌های کوچک بزرگ

• جذاب‌ترین هدیه که دریافت کرده‌ای؟
احتمالا گل

• رمان مورد علاقه‌ات که بیش از یک بار خوانده‌ای؟
رمانی که دوبار خوانده‌ام را یادم نمی‌آید، ولی گلستان و تذکره را بارها خوانده و می‌خوانم.

• کتاب در حال انتشار داری؟
مجموعه روایتی که یک جورهایی جلد دو «سی و ده» است.

• عاشق شده‌ای؟
لابد.

دریچه

۵ راهکار؛ برای کتابخوانی

چگونه یک کتابخوان حرفه‌ای شوم؟

راضیه اسماعیلی | چگونه به مطالعه کردن عادت کنم؟ برای شروع مطالعه روزانه چه کتابی مناسب‌تر است؟ چگونه یک کتاب را بخوانم و اصلا چطور یک کتابخوان شوم؟ پرسش‌هایی که ذهن هر فرد در شروع فرآیند عادت به مطالعه با آن روبه‌رو می‌شود. با توجه به تأثیر آموزش در پیشرفت اجتماعی، فرهنگی کشور، ترویج فرهنگ مطالعه از ارزش‌های دینی و ملی به شمار می‌آید. در فرهنگ و تمدن اسلامی، کتاب جایگاه ویژه‌ای دارد و همواره به آن عنایتی خاص شده است. اسلام، معجزه‌اش کتاب است و نخستین پیام آن، امر به خواندن است. در روایات نیز به اصل هدیه‌دادن، به منظور افزایش محبت بسیار تأکید و سفارش شده است؛ به همین منظور در این مطلب سعی کرده‌ایم به بهانه روز کتاب و کتابخوانی به اختصار به بیان ۵ راهکار در مورد نحوه کتابخوانی بپردازیم.

قدم اول، دوست داشتن

نخستین پیشنهاد ما این است: اگر کتابی را دوست ندارید، نخوانید. نخستین قدم برای کتابخوان شدن، دوست‌داشتن است. زندگی آن‌قدر هم بلند نیست که ما با دوست‌نداشته‌هایمان آن را طی کنیم. پس در کتابخوانی هم توجه کنید، کتابی را انتخاب کنید که دوست دارید و از خواندن آن لذت می‌برید. اگر می‌خواهید یک کتابخوان حرفه‌ای شوید، نخست کتاب را پیش چشم قرار دهید و ببینید آیا از خواندن این کتاب لذت می‌برید یا خیر؟ می‌توانید بخش کوتاهی از کتاب برگزیده خود را هم بخوانید. اگر ارتباط برقرار کردید، آن کتاب را برای مطالعه انتخاب کنید.

با کتاب همراه شویم

یکی از راه‌های ترویج کتابخوانی در دسترس‌بودن آن است. در میان درگیری‌ها و مشغله‌های روزانه زمان‌های بسیاری وجود دارد که می‌توان از آن به‌عنوان فرصتی برای کتابخوانی بهره برد. در زمان‌هایی که به کتاب دسترسی داشته باشیم؛ بهترین زمان برای کتابخوانی است؛ زمان‌های انتظار، مترو و... اگر آدمی نیستید که به سادگی کتاب دست‌تان بگیرید و بخوانید، در مرحله اول همیشه یک کتاب همراه خود داشته باشید و هر کجا که می‌روید، با خود ببرید. می‌توانید از کتاب‌های کم‌حجم هم استفاده کنید. اگر هم علاقه‌ای به حمل کیف و کتاب ندارید، استفاده از کتابخوان الکترونیکی را پیشنهاد می‌کنیم.

تعیین زمان کتابخوانی

شما چه ساعتی در روز غذا می‌خورید؟ پاسخ به این سوال برای شما ساده است؛ چون شما زمان‌های مشخصی را برای صرف غذا تعیین کرده‌اید. این موضوع را در حوزه کتابخوانی نیز باید دنبال کنید. زمان‌های مشخصی را برای کتابخوانی تعیین کنید. به‌طور مثال، پیش از خوابیدن زمان مناسبی برای کتابخوانی است؛ این یک راه عالی برای پایان‌دادن به روز است و راهی موثر برای آرامش قبل از خواب. شما می‌توانید این زمان را برای کتابخوانی انتخاب کنید. اگر شما یک مهلت تعیین‌شده برای اتمام کتاب داشته باشید، می‌توانید مطمئن باشید که زمان لازم برای خواندن آن کتاب را در بین روز و شب‌هایتان پیدا می‌کنید.

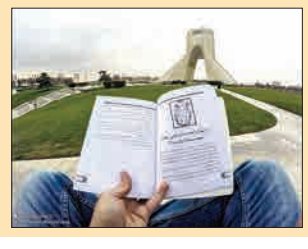

اشتراک‌گذاری کتاب

دوستان کتابخوان برای خود بیابید؛ یک اصل بین کتابخوان‌های حرفه‌ای رایج است: آدم‌هایی که عاشق کتاب هستند، سعی می‌کنند با دیگر آدم‌های عاشق کتاب متصل شوند. دوستان کتابخوان، کتاب‌های پیشنهادی بسیاری دارند، حتی شما می‌توانید کتاب‌هایتان را با آنها به اشتراک بگذارید. کتاب قرض دهید و کتاب قرض بگیرید. وقتی رابطه نزدیک با چنین کسانی پیدا می‌کنید، میل شما هم به خواندن هم افزایش پیدا می‌کند. اصلا می‌توانید در یک شبکه اجتماعی تجربیات خود را از یک کتاب با دوستان خود به اشتراک بگذارید. در مورد کتابی که خوانده‌اید، در فضای مجازی با دوستان خود صحبت کنید.

از کتابخوانی لذت ببرید

چرا از کتابخوانی لذت نمی‌بریم؟ پرسشی که تعدادی از افراد مطرح می‌کنند؛ یکی از دلایل عدم لذت کتابخوانی؛ نبود مکان مناسب برای کتابخوانی است. شما می‌توانید برای خواندن کتاب، به کتابخانه بروید. شاید مدت‌هاست به کتابخانه نرفته‌اید، اما بهتر است مجددا سری به یک کتابخانه بزنید. امروزه کتابخانه‌ها نسبت به قبل فضاهای بهتری را دارا هستند؛ فضای بسیار مناسبی برای کتابخوانی. اگر هم رفت‌وآمد به کتابخانه برایتان سخت است. نحوه کتاب‌خواندن هم می‌تواند در میزان لذت کتابخوانی تاثیرگذار باشد. دقت کنید لحن، آهنگ بیان و حالت چهره‌تان را با متن هماهنگ کنید.